Islam and Health Journal
نشریه اسلام و سلامت
e-ISSN: 2383-191X p-ISSN:2383-2177
دانشگاه علوم پزشکی بابل

Spiritual health and striving for excellence and their impact on development from the perspective of the Quran and Nahj al-Balagha

Nasser Khodayari Shoti (PhD) [1]*, Majid Aslanabadi (MA)[1]

1. Department of Basic Sciences, Faculty of Paramedicine, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran.

Article Type:
Research Paper

Received:
10 Dec. 2025
Revised:
25 Mar. 2026
Accepted:
4 Apr. 2026
Published Online:
21 Apr. 2026

ABSTRACT

Background and aim: Spiritual health and striving for excellence has gained attention among scholars and health sociologists. Striving for excellence, defined as the human connection with God through trust (tawakkul) and good opinion of God, faith, seeking divine pleasure, pure intention, gratitude, humility, patience, piety, justice, prayer, remembrance of God, repentance, reflection, self-knowledge, and correct belief in the afterlife, along with the concept of a "healthy human" as the core of development, are among the key questions this article aims to address from the perspective of the Quran and Nahj al-Balagha.

Materials and methods: This is a research study, and the discourse on spiritual health and striving for excellence, along with their impact on development, has not yet been fully structured. Accordingly, this study was conducted by directly referring to the literature of the Quran and Nahj al-Balagha, examining the conceptual relationship between spiritual health, striving for excellence, and development, centered on the concept of the "healthy human".

Findings: There is a significant relationship between development, spirituality, and health. In the Quran and Nahj al-Balagha, spirituality is a crucial dimension of both health and development. Within this framework, development serves as a tool to achieve striving for excellence and the comprehensive perfection of the human being.

Conclusion: Spiritual health, which centers on the spiritual human within the process of social and economic development, plays two key roles: it is either the foundation of development or its ultimate goal. Therefore, if development lacks a goal of "excellence" or a foundation of "spirituality", any structure built upon it will be unstable.

Keywords: Spiritual health, Striving for excellence, Development, Quran, Nahjul-Balagha

Cite this article: Khodayari Shoti N, Aslanabadi M. Spiritual health and striving for excellence and their impact on development from the perspective of the Quran and Nahj al-Balagha. Islam and Health Journal. 2026; 11(1): 15-25.

© The Author(s).

Publisher: Babol University of Medical Sciences

*Corresponding Author: Nasser Khodayari Shoti
Address: Department of Basic Sciences, Faculty of Paramedicine, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran.
E-mail: khodayarin@tbzmed.ac.ir

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-12]

Islam and Health Journal
نشریه اسلام و سلامت
e-ISSN: 2383-191X p-ISSN:2383-2177
دانشگاه علوم پزشکی بابل

سلامت معنوی و تعالی‌جویی و تاثیر آن بر توسعه از منظر قرآن و نهج‌البلاغه

ناصر خدایاری شوطی (PhD) [1*]، مجید اصلان آبادی (MA) [1]

۱. گروه علوم پایه، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، تبریز، ایران.

چکیده

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۴/۹/۱۹

ویرایش:

پذیرش: ۱۴۰۵/۱/۵

انتشار: ۱۴۰۵/۱/۱۵

واژگان کلیدی: ۱۴۰۵/۲/۰۱ معنویت مبنایی، تعالی‌جویی، توسعه، قرآن، نهج‌البلاغه

سابقه و هدف: امکان معنویت مبنایی و تعالی‌جویی در توسعه، مورد توجه اندیشمندان و جامعه‌شناسان سلامت قرار گرفته است. تعالی‌جویی به مفهوم پیوستگی انسان با خدا در قالب؛ توکل و حسن ظن به خدا، ایمان و توجه به رضایت الهی، انگیزه و نیت خالص، شکرگزاری، تواضع و فروتنی، صبر، تقوا، عدالت، نماز، ذکر خدا، توبه، تفکر و تعقل، تفکر، شناخت نفس و اعتقاد درست به زندگی پس از مرگ و انسان سالم به‌عنوان محور توسعه از جمله سوالاتی است که در این مقاله سعی داریم از منظر قرآن و نهج‌البلاغه به آنها پاسخ بدهیم.

مواد و روش‌ها: این مطالعه پژوهشی بوده و بحث از معنویت مبنایی و تعالی‌جویی و تاثیر آن بر توسعه، هنوز استخوان‌بندی نشده است. بر این اساس پژوهش حاضر با مراجعه مستقیم به ادبیات قرآن و نهج‌البلاغه و بررسی ارتباط مفهومی معنویت مبنایی و تعالی‌جویی با توسعه بر محور انسان سالم انجام یافته است.

یافته‌ها: بین توسعه، معنویت و سلامت رابطه معناداری وجود دارد. در قرآن و نهج‌البلاغه، معنویت بعد مهمی از ابعاد سلامت و توسعه است. در چارچوب این نگرش، توسعه ابزاری است برای رسیدن به تعالی‌جویی و تکامل همه جانبه انسان.

نتیجه‌گیری: توسعه معنویت مبنا یعنی توسعه بر محور انسان معنوی در فرآیند توسعه اجتماعی و اقتصادی، دو نقش مهم را ایفا می‌کند: یا پایه توسعه است و یا غایت آن. بنابراین، اگر توسعه فاقد هدفی به نام تعالی یا بنیادی به نام معنویت باشد، هر ساختاری بر اساس آن، ناپایدار خواهد بود.

استناد: ناصر خدایاری شوطی، مجید اصلان آبادی. سلامت معنوی و تعالی‌جویی و تاثیر آن بر توسعه از منظر قرآن و نهج‌البلاغه. نشریه اسلام و سلامت. ۱۴۰۵؛ ۱۱(۱): ۱۵-۲۵.

© The Author(s)
Publisher: Babol University of Medical Sciences

* **مسئول مقاله:** ناصر خدایاری شوطی

آدرس: تبریز، خیابان دانشگاه، دانشگاه علوم پزشکی تبریز، دانشکده پیراپزشکی، گروه علوم پایه.

رایانامه: khodayarin@tbzmed.ac.ir

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-12]

مقدمه

موضوع نوشتار پیش رو، معنویت مبنایی توسعه و منتهی شدن آن به تعالی از منظر قرآن و نهج البلاغه است. از منظر اسلام، توسعه‌ای پایدار است که در اصل متکی به معنویت و یا در نهایت منتهی به معنویت و تعالی باشد. چنین رویکردی از طرفی به ابعاد فیزیکی، روانی، اجتماعی و معنوی سلامت و از طرفی به انسان سالم به عنوان محور توسعه در جامعه بازگشت می‌کند. فرایند مطرح شدن بعد معنوی سلامت شباهت بسیاری به این فرایند در بعد سلامت اجتماعی دارد. در بعد مذکور، نخست اثرات مسائل اجتماعی بر سلامت (جسمی و روانی) مطرح شده است، پس از آن نظریه شهر سالم و در نهایت با تکمیل شاخص سلامت اجتماعی توسط Kiez (۲۰۰۲)، بعد سوم سلامت وارد مطالعات جهانی گردید. مطالعات وسیعی در نقاط گوناگون جهان به تاثیر معنویات بر سلامت جسمی، روانی و اجتماعی پرداخته‌اند، ولی در نهایت محدوده‌های فردی "سلامت معنوی" به عنوان بعد چهارم سلامت ارائه شد که هنوز این مطالعات در جهان، مراحل مقدماتی خود را می‌گذرانند. در بسیاری از مجامع علمی جهان، تلاش‌های وسیعی در این مورد آغاز شده است؛ از جمله پژوهشی که از تابستان ۱۳۹۰ و از طرف تعدادی از پژوهشگران حوزه علوم اجتماعی در انجمن علمی رفاه اجتماعی ایران آغاز شده است که پس از هجده ماه، نتایج اولیه آن در اختیار مراجع و مراکز علمی کشور قرار گرفت (۱).

قرآن کریم درباره سلامت معنوی اشاره‌های بسیاری دارد و برخی صفات انسانی همانند؛ غرور، ریا، حسادت، سوءظن، عصبانیت و بخل، دشمن سلامت روح معرفی شده‌اند. تاثیر سوء عوامل مذکور بر سلامت جسمانی در مطالعات دانشمندان اثبات شده است. برای مثال، دانشمندان دریافته‌اند، کسانی که زیاد عصبانی می‌شوند، عمر کوتاه‌تری نسبت به سایرین دارند. نیازی به گفتن نیست که کینه و حسد و سوءظن تا چه حد انسان را از خواب و خوراک و لذت بردن از زندگی محروم می‌کند و به این ترتیب به سلامت جسم و روح آسیب می‌زند (۲).

در بسیاری از محافل و مطبوعات سخن از آن می‌رود که ما در عصر توسعه زندگی می‌کنیم و باید هوشیار باشیم که از قطار توسعه باز نمانیم. اما این قطار اساساً از کی به راه افتاده و مبدأ و مقصد آن کجاست؟ وقتی از توسعه سخن می‌گوییم، مشخصاً از چه سخن می‌گوییم؟ آیا معنای لفظی توسعه که همانا وسعت‌بخشی و گسترش امکانات است به تنهایی گویای عمق مفهوم نظری آن هست؟ (۳).

حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «رَحِمَ الله امْرَأً عَرِفَ مِنْ اَیْنَ و فی اَیْنَ وَ اِلی اَیْنَ» (۴). "خدا رحمت کند آن کسی را که بداند از کجا آمده، برای چه آمده و به کجا می‌رود. شاید هم دعا نباشد و معنایش این باشد که رحمت خدا شامل حال آن کسی می‌شود که این چنین باشد."

توجه به معنویت مبنا بودن و متعالی هدف بودن توسعه بیشتر از این منظر حائز اهمیت است که واژه «توسعه»، یک واژه کاملاً گمراه‌کننده است. درواقع مفاد مفهوم توسعه، بیانگر یک نوع وسعت یافتن در سطح، بدون دلالت بر «عمق» می‌کند. این سراب توسعه در انطباق کامل با برخی از روش‌هایی است که به آراستگی ظاهر و تخریب باطن می‌انجامد. از این نوع توسعه، تنها دو غرض دنبال می‌شود؛ از یک طرف احساس خود کم‌بینی عده‌ای ارضأ و از طرف دیگر منافع برخی از شرکت‌ها تامین می‌گردد. معمولاً در کشورهای جهان سوم، نقطه عزیمت فرایند توسعه از نفی مرجعیت «سنت و هویت خود»، آغاز و همین اهداف به افراد کم‌تجربه‌ای که نسبت به غربی‌ها احساس حقارت می‌کنند تلقین و از طریق آنها در برنامه‌ریزی کشورها برای تعیین سطح توسعه تدوین می‌گردد. مثلاً کسانی چون دانیل لرنر (Daniel Lerner) در تعیین ضوابط توسعه جوامع به معیارهایی کمی همچون؛ میزان گسترش شهرها، میزان باسوادی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی مانند، روزنامه و کتاب و تلویزیون و رادیو، میزان مشارکت در انتخابات اشاره می‌کنند (۵).

توسعه، ویژه جامعه خاصی نیست و الزاما استانداردهای مشخص آنچنانی ندارد و قابل تجربه برای هر جامعه‌ای است. ولی از نظر قرآن کریم توسعه مبتنی بر پیش شرطهایی است و مهمترین آن اراده معطوف به تغییر است: «خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند (و از نیکی به بدی شتابند)، و هرگاه خدا اراده کند که قومی را (به بدی اعمالشان) عقاب کند هیچ راه دفاعی نباشد و برای آنان هیچ کس را جز خدا یارای آنکه آن بلا بگرداند نیست» (۶).

آیه مذکور در مورد جوامع بشری است، نه تک‌تک افراد انسانی. یعنی جامعه‌ی صالح، مشمول برکات خداوند و جامعه‌ی منحرف، گرفتار قهر الهی می‌شود. امّا این قاعده در مورد فرد صالح و انسان ناصالح صادق نیست، زیرا گاهی ممکن است شخصی صالح باشد، ولی بخاطر آزمایش الهی گرفتار مشکلات شود و یا اینکه فردی ناصالح باشد، ولی به جهت مهلت الهی، رها گردد (۷).

امام علی (ع) در مقایسه علل محرومیت و رفاه و برخورداری و تفاوت حال دو جامعه از جهت یاد شده می‌فرمایند: «از حال فرزندان اسماعیل و اسحاق و فرزندان اسرائیل [درود بر آنان] پند گیرید، حالاتشان چه به هم شبیه است و شباهتشان نزدیک. در کار آنها بیندیشید و به پراکندگی و تفرقه آنها در روزگاری که کسراها و قیصرها سرورانشان بودند. آنها را از آبادی‌های آفاق و دریای عراق و اراضی سبز و خرم می‌راندند و به جاهایی که «درمنه» می‌روید و بادهای سخت می‌وزد، می‌فرستادند و آنان گرفتار زندگی سخت و ناگواری شدند. آنان را، چون گروهی درویش و مسکین با چند اشتر پشت ریش و مشتی کرک رها کردند. از حیث مساکنشان، خوارترین ملت‌ها بودند و سرزمینشان بی‌آب و گیاه‌ترین زمین‌ها. نه به دعوتی پیوسته بودند که بر آن تعصب ورزند و نه سایه‌سار محبتی داشتند که در آنجا بیارامند و به عزّت و ارجمندی متکی شوند. احوالشان پریشان بود و آرایشان گونه‌گون. با آنکه به شمار بیش بودند، در پراکندگی می‌زیستند، گرفتار

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-12]

بلاهای سخت و نادانی‌های تو بر تو، چون زنده به گور کردن دختران و پرستش بتان و بریدن از خویش و پیوند و رفتن در پی غارت و تاراج. سپس این قوم را بنگرید، آن گاه که خداوند نعمت‌های خویش به آنان ارزانی داشت و برایشان پیامبری فرستاد و آنان را فرمانبردار آیین او نمود و به دعوت او پراکندگی‌هاشان را به یگانگی بدل کرد. و نعمت، بال کرامت بر سرشان بگسترد و جویبارهای خود را به سویشان روان داشت. دین خدا آنان را در سودها و برکات خود درپیچید. در نعمت اسلام غرقه شدند و در مرغزارهای زندگی خوش به شادمانی بیارمیدند. در سایه سلطانی قاهر و غالب کارهاشان به سامان آمد و حالشان به‌گونه‌ای نیکو شد که در کنف عزّت و پیروزمندی جای گرفتند. کارها به آسانی می‌راندند و بر اوج اقتدار جای گرفتند و بر همه جهانیان فرمانروا شدند. پادشاهانی شدند فرمانروا بر سراسر زمین. از هر کس که بر آنها فرمان رانده بود، فرمانروایی بستدند و کسانی را که روزگاری بر آنان حکومت می‌کردند به زیر فرمان در آوردند. دیگر نه کسی را اندیشه آن بود که نیزه‌ای بر آنان راند و نه سنگی به سوی ایشان افکند (۸).

مواد و روش‌ها

این تحقیق به‌صورت توصیفی و تحلیلی است. گردآوری داده‌ها جهت نیل به اهداف تحقیق، از طریق بررسی آیات قرآن و خطب، نامه و حکمت‌های مرتبط از نهج‌البلاغه با بررسی مفاهیمی از قبیل: رشد و توسعه، تعالی‌جویی، معنویت، عدالت و توحید و هدفمندی آفرینش است. در گام آخر به بررسی و تحلیل روابط عینی مفاهیم مزبور پرداخته شده است.

یافته‌ها

آنچه از بررسی متون قرآن و نهج‌البلاغه برمی‌آید، وجود تفاوت‌های مبنایی در مورد رشد و توسعه و ترقی و تعالی است. شاید مفهوم توسعه در سطح و توسعه در عمق به تنهایی وافی این مقصود باشد. به‌طور کلی در جریان شکوفایی هر جامعه‌ای از چهار مفهوم سخن به میان می‌آید که با وجود شباهت‌های معنوی و مفهومی، تفاوت‌های معنی‌داری نیز بین آن مفاهیم وجود دارد: رشد (Growth)، ترقی (Progress)، توسعه (Development) و تعالی (Sublimation). به‌طور مثال، رشد یک انسان، حیوان یا گیاه، فرآیند افزایش اندازه آن است: یک رژیم غذایی متعادل برای رشد سالم ضروری است. رشد گیاه در بهار و اوایل تابستان بیشتر قابل توجه است. رشد، یک مفهوم یک بعدی است و منظور از آن ازدیاد کمی ثروت در جامعه است و معمولاً با شاخص‌هائی نظیر درآمد سرانه اندازه‌گیری می‌شود (۹).

ترقی یعنی حرکت رو به جلو یا به سوی مقصد. توسعه به فرآیندی که طی آن کسی یا چیزی رشد می‌کند، تغییر می‌کند و توسعه‌یافته‌تر می‌شود اطلاق می‌شود. به‌طور مثال، این اعتراضات بخشی از کمپین آنها علیه توسعه ساختمان‌سازی پیشنهادی در این منطقه بود. اما تعالی یعنی فرآیند تبدیل و ابراز یک میل یا انگیزه غریزی اولیه به شکلی که از نظر اجتماعی یا فرهنگی قابل قبول و متعالی باشد. توسعه چیست، توسعه ماهیت مستقلی در خارج دارد و یا این ما هستیم که بر مجموع عملکردهای اقتصادی و فرهنگی و سیاسی و علمی و تکنولوژیکی و نتایج حاصل از آنها نام «توسعه» نهاده‌ایم؟ موانع فرهنگی، سیاسی، حقوقی و ... تحقق توسعه در دنیای اسلام و ایران اسلامی و همچنین امکانات موجود برای تحقق توسعه چیست؟ آیا توسعه گذرگاه محتوم همه جوامع است آن هم به مفهوم غربی آن، یعنی توسعه اقتصادی و اجتماعی، آیا گزینش در اجزأ (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ...) توسعه غربی ممکن است؟ در این صورت الگوی مناسب توسعه در جهان اسلام و همچنین ایران اسلامی چیست؟ آیا «توسعه» از متون دینی اسلامی قابل استنباط است؟ از همه مهمتر، آیا توسعه دینی و معنوی می‌تواند بخشی از تعریف توسعه قرار گیرد؟ چرا؟ اگر بخواهیم بر مبنای تفکر و دیدگاه اسلام، مدل‌های جاری توسعه در جهان امروز را نقد کنیم چه می‌توان گفت؟ معنویت در لغت فارسی مصدر جعلی معنوی و به معنای معنوی بودن است و معنوی منسوب به معنی مقابل لفظی و به معنای حقیقی، اصلی، ذاتی، مطلق، باطنی و روحانیست. این اصطلاح همچنین در مقابل مادی، شکلی و ظاهری و معنایی که در قلب شناخته می‌شود و زبان را در آن بهره‌ای نیست می‌باشد (۱۰).

گرچه خود واژه معنویت در قرآن به کار نرفته است، اما در ادبیات معاصر فراوان به کار برده شده است. روشن است که واژه‌ی «معنویت» و مشتقات آن در قرآن به کار نرفته است. در عین حال به دلیل حضور پررنگ آموزه‌های معنوی در قرآن می‌توان ادعا کرد که قرآن یک کتاب معنوی است، یا یک کتاب معنوی نیز هست. بنابراین، به جای پرسش از تعریف «واژه‌ی معنویت» از چشم‌انداز قرآن، بهتر است بپرسیم که «آیا مؤلفه‌های معنویت در قرآن یافت می‌شود؟»، یا «معنویت قرآنی چه ویژگی‌هایی دارد؟»، یا «اگر احیاناً تعریفی از سرشت معنویت یا ویژگی‌های انسان‌های معنوی یا سبک زندگی معنوی در قرآن می‌توان سراغ گرفت، آن تعریف یا ویژگی‌ها چیست؟» معنویت نوعی از توانایی است که در اثر نوعی تمرین و ممارست ایجاد می‌شود، رشد می‌کند و پرورش می‌یابد. در این تجربه اشراقی، رازی است که هر کسی بدان دست یابد آرامشی وصف‌ناپذیر روحش را فرا می‌گیرد و او را از فشار آلام و رنج‌ها دور می‌سازد (۱۰).

توسعه معنویت مبنا و یا توسعه در عمق در قرآن و نهج‌البلاغه دارای شاخص‌هایی است که ذیلا مورد بحث قرار می‌گیرد:

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-12]

۱- توسعه در صورت فرد و جامعه و یا در حقیقت انسان؟

در سال‌های اخیر در کتاب‌ها و مقاله‌های متعدد، درباره توسعه‌ی پایدار، فراوان قلم‌فرسایی شده و الگوهای مختلفی در این باب پیشنهاد شده‌اند. برخی از نویسندگان به بسط مفهومی توسعه‌ی پایدار پرداخته و الگوی یکپارچه و متوازن آن را مطرح می‌کنند. برای گریز از تک ساحتی بودن توسعه پایدار که در آن به صورت عمده بر موضوع اکولوژی و محیط زیست تأکید شده است در الگوی پیشنهادی، سایر ابعاد توسعه در جوامع انسانی نیز مدنظر قرار گیرند. از این‌رو الگوی توسعه پایدار یکپارچه و متوازن در سه قلمرو موضوعی، مکانی و زمانی با دیدی همه سو نگر مطرح می‌شود: قلمرو موضوعی توسعه: بعد سیاسی، بعد اقتصادی، بعد اجتماعی و فرهنگی، بعد علمی و فناوری، بعد محیطی و زیستی و بعد معنوی و نشاط اجتماعی.

منظور از بعد معنوی توسعه، موقعیتی است‌که بر اساس آن عوامل مرتبط با باورهای معنوی، امنیت روانی، خشنودی و نشاط اجتماعی فرصت حضور و بروز می‌یابند. در جامعه‌ای‌که از منظر معنوی و روحی توسعه یافته باشد سطح اعتماد به‌نفس در افراد افزایش می‌یابد و توان تاب‌آوری آن‌ها در فراز و فرودهای زندگی برای برگشت به وضعیت عادی بالا می‌رود. مشکلات زندگی و کار، دشواری‌ها، تعارضات و شکست‌هایی که پدید می‌آیند، آموزه‌هایی برای عبرت و یادگیری و فرصتی برای پیاده‌سازی آموخته‌ها، تجارب و مهارت‌ها در عرصه عمل تلقی می‌شوند. شادی و نشاط، موجب روابط میان فردی بهتر، تعامل‌های اجتماعی کارآمدتر، فشار روانی کمتر و سیستم ایمنی بدنی قوی‌تر می‌شود. این عوامل، جملگی در سلامت جسمی و روحی افراد جامعه مؤثرند. مردمانی که از این موهبت‌ها بهره‌مندند با خوش‌بینی واقع‌گرایانه و امیدواری به آینده از انگیزهای قوی برای تلاش و فعالیت برخوردارند و خود و جامعه متبوع را به سوی حیاتی باکیفیت و متعالی سوق می‌دهند (۱۱).

حکما در بیان ابعاد وجودی انسان و به تبع آن توسعه معنویت مبنا و توسعه در عمق می‌گویند: آدمی عالم صغراست و حکمای الهی گویند آدمی عالم کبراست. زیرا آن علم حکما بر صورت آدمی مقصور بود و علم این حکما در حقیقت، حقیقت آدمی موصول بود.

پس به صورت عالم اصغر توی
پس به معنی عالم اکبر توی
ظاهر آن شاخ اصل میوه است
باطنا بهر ثمر شد شاخ هست (۱۲).

۲- توسعه معیشت از طریق یاد و نام خداوند

«وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى» (۱۳).

و هر کس از هدایت من [که سبب یاد نمودن از من در همه امور است] روی بگرداند، برای او زندگی تنگ [و سختی] خواهد بود، و روز قیامت او را نابینا محشور می‌کنیم.

آیه‌ی قبل، بشارت به پیروان حقّ می‌داد، ولی این آیه هشدار و اخطار به روی‌گردانان از حقّ، تا بیم و امید در کنار هم مطرح شده و مؤثّر باشد. در روایات، رها کردن خط ولایت اهلبیت علیه‌السلام یا ترک کردن فریضه‌ی حج، مصداق اعراض از یاد خدا شمرده شده است (۱۴).

مراد از سختی و تنگی زندگی، نداشتن نیست، بلکه بسیاری از سرمایه‌داران به خاطر حرص، ترس و دلهره، در فشار و تنگنا زندگی می‌کنند. واژه «معیشت» سه بار و واژه «ضنک» یک بار در آیات قرآن به کار رفته است. مفسران در باره معناشناسی ترکیب «معیشت ضنک» در آیه ۱۲۴ سوره طه اقوال گوناگونی را ذکر کرده‌اند که می‌توان آنها را در دو دسته کلی؛ حیات واپسین و حیات دنیوی تقسیم‌بندی کرد. به نظر می‌رسد نمی‌توان «معیشت ضنک» را تنها در باره حیات واپسین تفسیر کرد و باید معانی و مصادیق آن را در دنیا و در ادامه آن عالم برزخ جستجو کرد. با استفاده از شواهد و قرائن دانسته می‌شود که منظور از «معیشت ضنک» در دنیا، نقصان در مواهب و نعمت‌های دنیوی نیست، بلکه «معیشت ضنک» عدم آرامش و طمأنینه قلبی در زندگی است و این ترکیب به یک حالت روحی و روانی گفته می‌شود که فرد در آن به نوعی دلواپسی دائمی دچار گردیده است. در اثبات این ادعا از روش قرآن به قرآن بهره برده شده است (۱۵).

حضرت علی (ع) در مورد ذکر و ارتباط با خداوند، همراه با تلاش برای تحصیل معاش می‌فرمایند: «مؤمن را سه ساعت است: ساعتی که در آن با پروردگار خود راز می‌گوید و ساعتی که در پی تحصیل معاش خویش است و ساعتی که به خوشی‌ها و لذات حلال و نیکوی خود می‌پردازد. و عاقل در پی سه کار باشد: یا در پی اصلاح معاش خود یا در کار معاد یا در پی لذت‌های غیرحرام» (۱۶).

۳- جامعه صالح و با اراده، مشمول برکات و نعمت‌های الهی

خداوند در مورد ایمان و صلاح و نقش آن در رفاه و توسعه و برخورداری از برکات و نعمت‌های الهی می‌فرمایند: «خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند» (۶). آیه مذکور در مورد جوامع بشری است، نه تک‌تک افراد انسانی. یعنی جامعه‌ی صالح، مشمول برکات خداوند و جامعه‌ی منحرف، گرفتار قهر الهی می‌شود. امّا این قاعده در مورد فرد صالح و انسان ناصالح صادق نیست، زیرا گاهی ممکن است شخصی صالح باشد، ولی بخاطر آزمایش الهی گرفتار مشکلات شود و یا اینکه فردی ناصالح باشد، ولی به جهت مهلت الهی، رها گردد.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-12]

در آیه آتی ضمن تخطئه ضعف و ناتوانی در غلبه بر فقر و محرومیت راهگشایی نموده و برای برون‌رفت از آن، وضعیت رقت‌بار مهاجرت را توصیه می‌نماید: «آنان که فرشتگان، جانشان را در حالی که ظالم به خود بوده‌اند می‌گیرند، از آنها پرسند که در چه کار بودید؟ پاسخ دهند که ما در روی زمین مردمی ضعیف و ناتوان بودیم. فرشتگان گویند: آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن هجرت کنید؟! و مأوای ایشان جهنم است و آن بد جایگاه بازگشتی است» (۱۷).

خداوند در آیه بعدی، تحصیل توامان کسب سعادت برای آخرت و استفاده از لذات دنیوی را مورد اشاره قرار می‌دهد: «و به هر چیزی که خدا به تو عطا کرده بکوش تا (ثواب و سعادت) دار آخرت تحصیل کنی و لیکن بهره‌ات را هم از (لذّات و نعم حلال) دنیا فراموش مکن و (تا توانی به خلق) نیکی کن چنانکه خدا به تو نیکویی و احسان کرده و هرگز در روی زمین فتنه و فساد بر میانگیز، که خدا مفسدان را ابدا دوست نمی‌دارد» (۱۸).

اما در این مورد که اساسا توسعه در سطح یا توسعه مادی و توسعه در عمق یا توسعه معنویت مبنا، هر دو به عنوان لوازم حرکت به سوی هدف الهی مدنظر خداوند است می‌فرماید: «و آنچه در آسمان‌ها و زمین است تمام را مسخر شما گردانید و اینها همه از سوی اوست. در این کار نیز برای مردم با فکرت آیاتی (از قدرت الهی) کاملا پدیدار است» (۱۹).

و در آیه‌ای دیگر در خصوص توسعه موارد حلال می‌فرماید: «ای پیامبر! چرا چیزی را که خداوند برای تو حلال کرده، به خاطر جلب رضای همسرانت، بر خود حرام می‌کنی. خداوند آمرزنده و مهربان است. همانا خداوند، (راه) رهایی (از تعهّد) سوگندهایتان را (با پرداخت کفّاره) برای شما مقرّر کرده است و خداوند سرپرست شماست و او دانا و حکیم است» (۲۰).

٤- آموزش اسمای الهی به منزله کلید توسعه در عمق

قرآن کریم نقطه عزیمت و کلید توسعه را آموزش اسمای الهی از سوی خداوند به حضرت آدم معرفی می‌کند: «و خدا همه نام‌ها [یِ موجودات] را به آدم آموخت؛ سپس [هویت و حقایق ذات موجودات را] به فرشتگان ارائه کرد و گفت: مرا از نام‌های ایشان خبر دهید، اگر [در ادعای سزاوار بودنتان به جانشینی] راست گویید» (۲۱).

٥- توصیه به توسعه ظرفیت های نظامی و بسیج حداکثری آن

توصیه به توسعه ظرفیت‌های نظامی و بسیج حداکثری آن مورد توجه قرآن بوده است: «و در برابر دشمنان هر قدر توانایی دارید از نیرو و قدرت آماده سازید»! یعنی: در انتظار نمانید تا دشمن به شما حمله کند و آنگاه آماده مقابله شوید، بلکه از پیش، باید به حد کافی آمادگی در برابر هجوم‌های احتمالی دشمن داشته باشید (۲۲).

٦- تحول در عمق، غایت تغییرات در سطح

حضرت علی (ع)، همزمان با انقلاب مدینه و به خلافت رسیدنش، خطبه‌ای به این مضمون ایراد می‌کنند: «آنچه می‌گویم بر عهده من است و من خود ضامن آن هستم. آن کس که حوادث عبرت‌آموز روزگار را به چشم ببیند و از آن پند پذیرد، پرهیزگاریش او را از آلوده شدن به کارهای شبهه‌ناک باز می‌دارد. بدانید که بار دیگر همانند روزگاری که خداوند، پیامبرتان را مبعوث داشت، در معرض آزمایش واقع شده‌اید. سوگند به کسی که محمد را به حق فرستاده است، در غربال آزمایش، به هم درآمیخته و غربال می‌شوید تا صالح از فاسد جدا گردد. یا همانند دانه‌هایی که در دیگ می‌ریزند، تا چون به جوش آید، زیر و زبر شوند. پس، پست‌ترین شما بالاترین شما شود و بالاترینتان، پست‌ترینتان. واپس ماندگانتان پیش افتند و پیشی گرفتگانتان واپس رانده شوند. به خدا سوگند، که هیچ سخنی را پنهان نداشته‌ام و دروغ نگفته‌ام که من از چنین مقامی و چنین روزی آگاه شده بودم» (۲۳).

۷- باز شدن درهای برکات آسمانی و زمینی در گرو ایمان و پرهیزکاری

خداوند به‌صورت قضیه شرطیه باز شدن درهای برکات آسمان و زمین را وابسته به ایمان و پرهیزکاری معرفی می‌نماید و می‌فرماید: «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، یقیناً [درهایِ] برکاتی از آسمان و زمین را بر آنان می‌گشودیم، ولی [آیات الهی و پیامبران را] تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالی که همواره مرتکب می‌شدند [به عذابی سخت] گرفتیم (۲۴).

علی (ع) توسعه جامعه جاهلی را در پرتو بعثت پیامبر و وحی الهی معرفی نموده و می‌فرمایند: «خداوند، محمد (صلی اللّه علیه و آله) را مبعوث داشت که بیم‌دهنده جهانیان باشد و امین وحی او. و شما ای جماعت عرب‌ها، پیش از آن، بدترین آیین را داشتید و در بدترین جای‌ها به سر می‌بردید و در زمین‌های سنگلاخ و ناهموار می‌زیستید و با مارهای سخت و کرّ همخانه بودید. آبی تیره و ناگوار می‌نوشیدید و طعامی درشت و خشن می‌خوردید و خون یکدیگر می‌ریختید و از خویش و پیوند بریده بودید. بتان در میان شما برپا بودند و خود غرقه گناه بودید» (۲۵).

امام علی (علیه‌السلام) در فراز مذکور از خطبه نهج‌البلاغه، به سراغ وضع عرب جاهلی می‌رود و ترسیم بسیار گویایی از زندگی آنها، در چهار بُعدِ فکری و عاطفی و اقتصادی و اجتماعی را ارائه می‌دهد که اگر تمام کتاب‌هایی را که درباره وضع عرب جاهلی نوشته شده است، بررسی کنیم، چیزی بیش از آنچه در این خلاصه آمده، در آنها نخواهیم یافت. در وضع دردناک اقتصادی اعراب، همین بس که نه تنها دختران، بلکه پسران را که سرمایه زندگی آنها محسوب می‌شد، از ترس فقر، به زیر خاک می‌کردند. درآمد بسیاری از آنها، از طریق غارتگری و چپاول اموال دیگران و غافله‌ها بود. پاهای برهنه، اندام نیمه‌عریان بسیاری از آنان،

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-12]

از فقر اقتصادی حاکم بر آنها حکایت می‌کرد و اگر یکی از آنها صاحب لباس ساده‌ای می‌شد، افتخار می‌کرد که لباسی دارد که هم تابستانه است و هم بهاره و هم زمستانه! (۲۵).

در آیه‌ای از قرآن می‌فرماید، خداوند هر آنچه در آسمان و زمین است مسخر انسان نموده است و اگر بخشی از جوامع از این نعمات الهی محرومند باید سبب محرومیت را پیدا کرد که خود آن جوامع‌اند: «و همه آنچه را در آسمان‌هاست و آنچه را در زمین است از سوی خود برای شما مسخّر و رام کرد؛ بی‌تردید در این امور برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌هایی [بر ربوبیت، حکمت و قدرت خدا] ست» (۱۹).

خداوند بهشت را ثمره ایمان و پرهیزکاری معرفی می‌نماید: «و چنانچه اهل کتاب ایمان آرند و تقوا پیشه کنند ما البته گناهانشان را محو و مستور می‌سازیم و آنها را در بهشت پر نعمت داخل می‌گردانیم» (۲۶).

و یا در مورد تاثیر منفی عمل نکردن اهل کتاب به محتویات تورات و انجیل می‌فرمایند: «و اگر آنان تورات و انجیل [واقعی] و آنچه را که از سوی پروردگارشان به آنان نازل شده برپا می داشتند، بی‌تردید از برکات آسمان و زمین بهره‌مند می‌شدند. از آنان گروهی میانه‌رو و معتدل‌اند، و بسیاری از آنان بد است آنچه را انجام می‌دهند» (۲۷).

۸- معرفت خداوندی به عنوان هدف غایی توسعه

در قرآن کریم اجمالاً چنین وارد شده است که همه موجودات را خدا برای انسان، و انسان را برای خودش خلق کرده است«آیا شما نمی‌بینید که خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای شما تسخیر کرده است؟» (۲۸). یعنی در اختیار شما قرار داده است، پس معلوم می‌شود که اصل آفرینش و نتیجه و ثمره آفرینش آن، همین انسان است که همه موجودات را برای انسان و در تسخیر انسان قرار داده است. و می‌فرمایند: «خورشید و ماه را که دائم در حرکت‌اند و شب و روز را برای شما تسخیر نمود» (۲۹). و می‌فرمایند:«هُوَ الَّذِی خَلَقَ لَکُمْ مَا فِی الْأَرْضِ جَمِیعًا» آن خدا، خدایی است که تمام آنچه در زمین است را برای شما خلق کرده است» (۳۰). (خَلَقَ لَکُم؛ یعنی به خاطر شما و به نفع شما. مَا فِی الأَرْضِ جَمِیعاً؛ یعنی همه آنچه در روی زمین هست همه را برای شما خلق نموده است).

انسان خیلی قدر دارد! منتها خودش قدر خودش را نمی‌داند. همه موجودات، همه حیوانات مسخّر انسان است. انسان این موجودات و این همه نعمت‌هایی را که خدا در اختیارش قرار داده نگاه می‌کند، تمام این آیات را می‌بیند، ولی همیشه غافل است؛ اینها را خدا چرا در اختیار ما قرار داده است؟ چرا مسخّر ما کرده است؟ این حیوانات، این گاو، این شتر و این حیوانات عظیم‌الجثّه، از جهت قدرت از این انسانِ ضعیف قوی‌ترند و در مقام معارضه، انسان در مقابل هیچ‌یک از اینها نمی‌تواند دوام بیاورد و استقامت کند، ولی آنها مسخّر انسان هستند.

خداوند در مورد فلسفه خلقت می‌فرمایند: «و من جنّ و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا (به یکتایی) پرستش کنند (۳۱). و حقیقت عبادت، بدون شناخت حقیقت عبودیّت و معرفت حاصل نشود. پس خلق همه موجودات برای انسان است و نتیجه خلقت انسان معرفت حضرت حق جلّ وعلا می‌باشد و این معرفت از جمله علل غائیّه است؛ یعنی در نزد کسی‌که خداجوست و خدا را طلب می‌کند، هیچ چیزی بالاتر از معرفت خود خدا نیست و هیچ دعائی بهتر از این دعا نیست که: خدایا! معرفت خودت را نصیب ما بگردان! »

خداوند می‌فرماید: «من گنجی نهان بودم، میل پیدا کردم که شناخته شوم، موجودات را خلق کردم تا اینکه شناخته شوم و مرا بشناسند» (۳۲).

پس انسان اگر عمرش را در معرفت و شناخت پروردگار بگذارد اسراف نکرده است، ولی اگر عمرش را در غیر معرفت خدا بگذارد، برای هر کاری که صرف کند منهای معرفت خدا و بدون ارتباط با معرفت پروردگار و بدون مقدّمیّت برای این ذی‌المقدّمه، همه عمرش را اسراف کرده است.

پس بر اساس این آیات کریمه قرآن و این احادیث قدسیّه مذکور چنین نتیجه‌گیری شد که: علّت غایی برای خلقت عالم، معرفت خداست، بنابراین اگر کسی عمرش را در معرفت خدا صرف نماید، به‌جا صرف کرده و اسراف ننموده است. اسراف یعنی بیهوده هدر دادن وقت. اگر کسی عمرش را در غیر معرفت خدا صرف کند، عمرش را هدر داده است؛ باید انسان سالک و مؤمن طالبِ پروردگار و جستجوگرِ خداوند عمرش را صرف خدا و معرفت خدا کند. در این میان، بعضی از علوم جنبه مقدّمیّت دارد؛ مثلاً علم فقه جنبه مقدّمیّت دارد برای علم اخلاق، و علم اخلاق جنبه مقدّمیّت دارد برای علم عرفان، و علم عرفان جنبه مقدّمیّت دارد برای عمل به عرفان؛ و اگر انسان عمرش را در این علوم که جنبه مقدّمیّت دارد، به مقداری که از این علوم نیاز است و انسان را به ذی‌المقدّمه معرفت واصل می‌کند، صرف نماید، اسراف نکرده است. و حقیقت عبادت بدون شناخت حقیقت عبودیّت و معرفت حاصل نشود. هر عبادتی که انسان انجام می‌دهد باید به آن مغز و آن لبّ عبودیّت برسد و باید سعی کند این عبادت، عبادتی باشد که از معرفت پروردگار نشأت گرفته است، نه عبادتی بدون شناخت و معرفت پروردگار و بدون وصول به عبودیّت و بندگی و خلوص. راه تحصیل این معانی هم اخلاص و مراعات قصد قربت در عبادات و أعمال است (۳۳).

۹- تربیت فردی و اجتماعی معنویت‌محور

تربیت از مباحث مهم و زیربنایی جوامع گوناگون است که یکی از ابعاد آن، تربیت اجتماعی است؛ و غایت آموزه‌های نهج‌البلاغه، تربیت انسان بر اساس مؤلفه‌های معنویت‌محور است. حاصل تربیت تحت این تعالیم، امنیت عمومی افراد جامعه و رضایت خداوند متعال را در پی دارد. مهم‌ترین این مؤلفه‌ها، رعایت حقوق متقابل و پرهیز از خودمحوری، وفای به عهد، عفو و گذشت، خوش‌رویی و نرم‌خویی، رعایت احترام بزرگترها و مهربانی با کوچکترها، دفع بدی به نیکی،

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-12]

تغییر رفتار متناسب با اقتضائات مخاطب، تعدیل خوش‌گمانی و بدگمانی، شکرگزاری در مقابل دیگران، صداقت و حق‌گویی و پرهیز از دروغ، مشارکت در غم و شادی همنوعان، اعتماد نداشتن به دیگران قبل از شناخت، توجه به آزادی و پرهیز از بردگی انسان‌ها، درخواست نکردن از نااهلان، دوری از عُجب و تکبر، پرهیز از مجادله و دشمنی، کنترل خشم و غضب، دوری از تملق و چاپلوسی، دوری از حسادت، پرهیز از لجاجت، دوری از سخن‌چینی، پرهیز از عیب‌جویی، و ... است. در سایه تحقق تربیتِ «معنویت‌محور»، ناهنجاری‌های اجتماعی به شدت کاهش می‌یابد، همیاری اجتماعی به حدّ اعلای خود می‌رسد و رفتارهای اجتماعی بر اساس حق و حق‌گرایی تنظیم می‌شود، به‌گونه‌ای که رضایت عمومی را در پی دارد و موجب تبلور ارزش‌های انسانی در جامعه و مقدمه‌سازی جهت ایجاد مدینه فاضله می‌شود (۳۴).

مولانا در دفتر سوم مثنوی معنوی، فرایند رشد و توسعه مادی در انسان را که محور توسعه است وصل‌شدن به حق تعالی معرفی می‌نماید:

از جمادی مردم و نامی شدم — وز نما مردم به حیوان سر زدم
مردم از حیوانی و آدم شدم — پس چه ترسم کی ز مردن کم شدم
حمله ی دیگر بمیرم از بشر — تا بر آرم از ملائک بال و پر
وز ملک هم بایدم جستن ز جو — کل شیء هالک الا وجهه
از ملک هم بایدم پران شوم — آنچه آن در وهم ناید آن شوم
پس عدم گردم عدم، چون ارغنون — گویدم انا الیه راجعون (۳۵)

۱۰- وجود لوازم توسعه معنویت مبنا در زمین

و قطعا شما را در زمین قدرت عمل دادیم و برای شما در آن وسایل معیشت نهادیم [اما] چه کم سپاسگزاری می‌کنید (۳۶).

۱-۱۰- روزی‌رسان خداست؛ بگو: «بیایید تا آنچه خدا بر شما حرام کرده همه را بر شما بخوانم، و آن اینکه به هیچ وجه شرک به خدا نیاورید، و به پدر و مادر احسان کنید، و دیگر اولاد خود را از بیم فقر نکشید، ما شما و آنها را روزی می‌دهیم، و دیگر به کارهای زشت آشکار و نهان نزدیک نشوید و نفسی را که خدا حرام کرده (محترم شمرده) جز به حق به قتل نرسانید. خدا شما را به این اندرزها سفارش نموده، باشد که تعقل کنید» (۳۷).

۲-۱۰- نقش مخرب خوردن مال یتیم؛ و هرگز به مال یتیم نزدیک نشوید جز به آن وجه که نیکوتر است تا آنکه به حدّ رشد و کمال رسد. و به راستی و عدالت، کیل و وزن را تمام بدهید. ما هیچ کس را جز به قدر توانایی او تکلیف نکرده‌ایم. و هرگاه سخنی گویید به عدالت گرایید هر چند در باره خویشاوندان باشد، و به عهد خود وفا کنید. این است سفارش خدا به شما، باشد که متذکر و هوشمند شوید (۳۸).

۳-۱۰- محرومیت برای امتحان؛ قرآن کریم برخی تفاوت‌ها در برخورداری افراد و جوامع را به خاطر امتحان و ابتلا معرفی نموده است: «و اوست کسی که شما را در زمین جانشین [یکدیگر] قرار داد و بعضی از شما را بر برخی دیگر به درجاتی برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید. آری پروردگار تو زودکیفر است و [هم] او بس آمرزنده مهربان است» (۳۹).

٤-۱۰- بارش آب فراوان به علت استقامت؛ و اگر بر طریق (حق) استقامت کنند، آنان را با آبی فراوان سیراب می‌کنیم (۴۰)، تا در آن (رفاه و آسایش) امتحانشان کنیم و هر کس از ذکر پروردگارش اعراض کند، او را در عذابی سخت در می‌آورد (۴۱).

۵-۱۰- تاثیر ثروت در حفظ معنویت؛ نقش ضروری ثروت یا داشتن تمکن مالی در اسلام برای بهبود حال امت اسلامی و یکی از بن‌مایه‌های پیشرفت آن است. امروزه تضاد طبقاتی افزایش یافته و طعنه‌های بدخواهان اسلام به امت اسلامی به دلیل گرفتاری‌های مسلمانان در مشکلات داخلی‌شان هر روز رنگی تازه به خود می‌گیرد به‌گونه‌ای که بسیاری از مسلمانان درگیر این مشکلات، از باورهای خود روی‌گردان شده و در برخی موارد نیز دچار تشکیک در اصول ایمانی خود می‌شوند (۴۲).

٦-۱۰- بسط رزق توسط خداوند؛ «که پروردگار تو روزی را برای هرکس بخواهد توسعه می‌دهد و برای هرکس بخواهد تنگ می‌گیرد. آری او به (صلاح) بندگان خود آگاه و بیناست» (۴۳).

۷-۱۰- متاع آخرت بهتر از متاع دنیا؛ هر کس متاع عاجل و زودگذر دنیا را طالب است متاع دنیا را به او می‌دهیم (لیکن باز) به هر که خواهیم و هر چه مشیّت ازلی ما باشد، سپس (در عالم آخرت به کیفر کردارش) دوزخ را نصیب او کنیم که با نکوهش و مردودی به جهنم درآید (۴۴).

۸-۱۰- توسعه و شکر نعمت‌های الهی؛ و [نیز یاد کنید] هنگامی را که پروردگارتان اعلام کرد که اگر سپاسگزاری کنید، قطعاً [نعمتِ] خود را بر شما می‌افزایم، و اگر ناسپاسی کنید، بی‌تردید عذابم سخت است (۴۵).

۹-۱۰- عدالت و توسعه؛ سخنی از آن حضرت (ع) در باره زمین‌هایی که عثمان در زمان خلافت خود به این و آن داده بود و امام (ع) آنها را به مسلمانان بازگردانید: «به خدا سوگند، اگر چیزی را که عثمان بخشیده، نزد کسی بیابم، آن را به صاحبش باز می‌گردانم، هرچند، آن را کابین زنان کرده باشند یا بهای کنیزکان. که در دادگری گشایش است و آنکه از دادگری به تنگ آید از ستمی که بر او می‌رود، بیشتر به تنگ آید (۴۶).

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-12]

۱۰-۱۰- توسعه معنویت مبنا در توسعه شهری؛ ۲۳ شاخص در قالب ۸ بعد اصلی شامل چیدمان فضا، نقش‌انگیزی، نمادگرایی، پایداری، عدالت، امنیت، ساختار مدیریت و معاصرسازی دانش نظری است. دستاورد چنین پژوهش‌هایی جایگذاری مفهومی تعادل‌بخش به چرخه تولید فضاست که با ساختارسازی مولفه‌های مکانی موثر در تولید فضای معنویت مبنا باعث کاهش ارتقای کیفی مداخلات خلق ارزش و نیل به پایداری توسعه خواهد بود (۴۷).

بحث و نتیجه‌گیری

از تامل در مباحث متن به نتایجی می‌توان رسید از جمله؛ توسعه پدیده‌ای یک بعدی نیست و از این رو نمی‌تواند زیربنا و روبنای صرفا مادی داشته باشد. توسعه مادی و ارتقای صرف توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مادی یک جامعه، توسعه در سطح و روبناهاست در حالی‌که توسعه متوازن و همه جانبه توسعه در عمق نیز باید بوده باشد. توسعه در سطح، توسعه کمّی و مادی است؛ اما توسعه در عمق توسعه معنوی و کیفی است. اگر بن‌مایه توسعه معنویت و به عبارتی دیگر توسعه معنویت مبنا نباشد، توسعه پایدار نخواهد بود. سلامت نیز دارای ابعاد مختلفی است که یکی از آنها سلامت معنوی است. آبشخور توسعه می‌تواند سنت‌ها، ارزش‌های بومی، ملی و دینی نیز باشد. توسعه، شاخص‌های معنوی نیز دارد و ضوابط توسعه جوامع، صرفا با معیارهایی کمی همچون؛ میزان گسترش شهرها، میزان باسوادی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی مانند؛ روزنامه، کتاب، تلویزیون، رادیو و میزان مشارکت در انتخابات مشخص نمی‌شود؛ بلکه تواما و یا حتی به صورت مبنایی باید به عناصری نظیر تعالی، هدف غایی، معنویت مبنایی، عدالت در توسعه نیز اندیشید و به عنوان موتور محرکه توسعه از آنها سود جست.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.
تضاد منافع: نویسنده اعلام می‌نماید که تضاد منافعی در این پژوهش وجود ندارد.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-12]

References

1. Sam Aram E, Hezarjaribi J, Fadakar M, Karami M, Shamsaie MM. Spiritual Health: Framework, Scope, and Components Based on The Teachings of Islam. Social Development & Welfare Planning. 2013; 4(14): 1-26. [In Persian]
2. Mahdavi T. Healt and Spiritulity. Resalat Magazine. January 23, 2011; N 7187, p. 17.
3. Ghaemi Nik R. Development and Development. Kausar Publications. 2025.
4. Molla Sadra. Asfar Al-Arba'a. Tehran: Al-Haydariyya Publications, First Edition, 1990. Vol 8. P. 355.
5. Rafipour F. The Relationship between Religion and Development. Kabsat. 1988. Issue 7.
6. Holy Quran; Surah Ar-Ra'd, Verse 11.
7. Qaraati M., Tafsir Noor. Tehran: Cultural Center Quran Lessons. Volume 4. P. 326.
8. Nahj al-Balagha; Sermon 192.
9. Pahlawani A. A Look at New Development Theories and Development as Freedom. August 25, 2020.
10. Soleimani S, Pahlavan M, Imani M, Abai Koopai M. A Study of the Principles of Spiritual Therapy in the Holy Quran. Journal of Quran and Medicine. 2020; 5(2): 77-85. [In Persian]
11. Zahedi S. Integrated and Balanced Sustainable Development Model. Journal of Human Sciences Development. 2018; 1(1): 67-72. [In Persian]
12. Rumi » Spiritual Masnavi » The Fourth Book ».
13. Holy Quran; Surah Taha, Verse 124.
14. Qaraati M. Tafsir-i Nur. Volume 5. ۲۰۰۸ P. 406.
15. Mousavi Moghaddam M, Najarzadegan F, and Mahmoud Pour S. An Evaluation of the Commentators' Views on the Meaning of "The Livelihood of the Poor" in Verse 124 of Surah Taha. Article in a quarterly scientific research journal on interpretive studies. Issue 27, 2016. P. 85.
16. Nahj al-Balagha; Hikmet, 297.
17. Holy Quran; Surah An-Nisa, Verse 97.
18. Holy Quran; Surah Al-Qasas, Verse 77.
19. Holy Quran; Surah Al-Jathiya, Verse 13.
20. Karaati M, Tafsir al-Nur. Volume 10. Page 121.
21. Holy Quran; Surah Al-Baqarah, Verse 31.
22. Holy Quran; Surah Al-Anfal, Verse 60.
23. Nahj al-Balagha; Sermon 16.
24. Holy Quran; Surah Al-A'raf, Verse 96.
25. Nahj al-Balagha; Sermon 26.
26. Holy Quran; Surah Al-Baqarah, Verse 65.
27. Holy Quran; Surah Al-Maeda, Verse 66.
28. Holy Quran; Surah Luqman, Verse 20.
29. Holy Quran; Surah Ibrahim, Verse 33.
30. Holy Quran; Surah Al-Baqarah, Verse 29.
31. Holy Quran; Surah Adh-Dhariat, Verse 56.
32. Majlesi MB. Bihar al-Anwar. Volume 84. 1982; p.199.

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-12]

33. Tehrani M. Gulshan-e-Ahbab. Volume 8, Session 14.
34. Naseri Karimvand A, Moradi Kohnaki F, Shamkhi M. Components of Spiritual-Based Social Education from the Perspective of Nahj al-Balagha. Journal of Quran and Social Sciences. 2021; 1(4).
35. Rumi. Masnavi-i Ma'navi. Third Book, Chapter 187.
36. The Holy Quran; Surah Al-A'raf, Verse 10.
37. Holy Quran; Surah Al-An'am, Verse 151.
38. Holy Quran; Surah Al-An'am, Verse 152.
39. Holy Quran; Surah Al-An'am, Verse 165.
40. Holy Quran; Surah Al-Jinn, Verse 16.
41. Holy Quran; Surah Hud, Verse 17.
42. Farhoudi R. Livelihood and Spirituality in Islam. Akhtar Publications. 2017.
43. Holy Quran; Surah Al-Isra, Verse 30.
44. Holy Quran; Surah Al-Isra, Verse 18.
45. Holy Quran; Surah Ibrahim, Verse 7.
46. Nahj al-Balagha; Sermon 15.
47. Madani F, Rafieian M, Mahdavi A, Mohammad Niaye Qaraei F. Developing a theoretical model for creating a spirituality-based urban space in an Iranian-Islamic city using a data-driven method (case study: the central part of Mashhad). Journal of Iranian-Islamic Urban Studies. 2022; 12(46): 17-37. [In Persian]

[Downloaded from iahj.ir on 2026-09-12]